

## خوانش لاکانی امر سیاسی در رمان همسایه‌ها

دکتر فاطمه حیدری،<sup>۱</sup> میثم فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

بر طبق نظر ژاک لاکان، ایجاد آرمان‌شهر بی‌نقص و مطلق در نظام نسبی جهان نمادین محال است، زیرا چارچوب گستره نمادین تحت سیطره قوانین از پیش تعیین شده (دال‌ها) است. نظام‌های سیاسی که درصدد ایجاد آرمان‌شهراند به دلیل عدم باور به محال بودن امکان برپایی آن در این جهان محدود، تصور می‌کنند که وجود گروه‌های مخالف علت اصلی عدم توفیق آنهاست، از این رو، اقدام به حذف مخالفان می‌کنند. چنین رویه‌ای در نهایت سبب قدرت‌یافتن نظام‌های دیکتاتوری نظیر شوروی گردید. نگارندگان بر آنند تا در رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود نشان دهند که چگونه بشر با دست‌کشیدن از آرمان‌شهر و پشتوانه کردن فقدان (باور به امکان‌ناپذیری برپایی آرمان‌شهر) به عنوان نظام فکری خود می‌تواند از به‌وجود آمدن دیکتاتوری توسط چنین شعارهای پوچی جلوگیری کند و به چارچوب نسبی دموکراسی تن دهد. این رمان شرح ناکامی مبارزان سیاسی در ساختن آرمان‌شهریست که بنای آن شعارهای مارکسیستی شوروی است. لاکان تأکید می‌کند که بشر برای نزدیک‌تر شدن به سعادت واقعی باید با واقعیات جامعه مواجه شود و از پروراندن هرگونه خیال دست‌نیافتنی بپرهیزد. عدم توفیق شخصیت اصلی این رمان در عملی‌ساختن شعارهای آرمانی در زندان علیه ظلم نظام حاکم، این ایده را تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ژاک لاکان، امر سیاسی، آرمان‌شهر، احمد محمود، رمان

همسایه‌ها

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

fateme\_heydari10@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته زبان و ادبیات انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۹

تاریخ وصول: ۹۲/۹/۱۷

## مقدمه

امر سیاسی از مهم‌ترین مباحث ژاک لاکان<sup>۱</sup> است. از زمان بنیان‌گذاری روان‌کاوی به عنوان یک علم توسط فروید، همیشه این موضوع جزء پرسش‌های اساسی بشر بوده که آیا می‌توان از روان‌کاوی تنها به مثابه پیش‌زمینه‌ای برای تشکیل یک نظام سیاسی ایده‌آل بهره‌مند شد؟ لاکان در سمینارهایش همواره بر این که محور اصلی همه نظریاتش گستره واقع است تاکید می‌کرد. گستره واقع در دیدگاه لاکان امری بی‌نهایت است. وی برای تمام اموری که به نوعی به روان‌کاوی مربوط می‌شوند پایانی قائل نمی‌شود، زیرا ریشه و بنیاد کل این ساختار، گستره واقع است. بنابراین، نظام سیاسی مبتنی بر ساختار روان‌کاوی از همین ویژگی برخوردار است و با گستره واقع ارتباط کامل دارد و می‌تواند سعادت و کامیابی حقیقی را برای تک‌تک اعضای آن جامعه به ارمان بیاورد. سالیان متمادی است که بشر در عرصه سیاسی با آزمون و خطا پیش می‌رود و پیروزی هر حزب یا گروه جدید نمایانگر شکست ایده‌ای است که پیش از آن نظامی سیاسی مبتنی بر آن شکل گرفته بوده است. هدف نهایی هر یک از نظام‌های سیاسی پس از اعلام موجودیت، رسیدن یا حداقل نزدیک‌تر شدن به آرمان شهری است که در آن عدالت و مساوات به معنای واقعی وجود داشته باشد. یکی از مهم‌ترین نظام‌های سیاسی که قویاً مبتنی بر ایده خلق آرمان‌شهر بود نظام سوسیالیستی یا کمونیستی است که مارکس بانی فکری آن بود. کمونیسم، با شعار آرمان‌شهر برابری همه طبقات اجتماع و رفع اختلاف طبقاتی فاحش میان قشرهای مختلف مردم در نظام سرمایه‌داری، توانست نفوذ گسترده‌ای در برخی کشورها داشته باشد. حذف مالکیت خصوصی و نظارت دولت مرکزی برای برقراری مساوات، رفع تبعیض و جلوگیری از به وجود آمدن طبقه مرفه بی‌درد از جمله اموری بود که کمونیسم اولویت می‌داد. بیشتر رژیم‌های سلطنتی سرتاسر دنیا به شدت با این جریان فکری مقابله کردند چون

کمونیسم و شعارهای جذابش پایه‌های حکومت نامشروع آن‌ها را که بر پایه مالکیت خصوصی استوار بود به لرزه انداخت ولی با گذشت چندین دهه از فعالیت کمونیست‌ها و در رأس آن‌ها شوروی سابق همان قاعده‌آزمون و خطا دیگر بار تکرار شد و رژیم کمونیستی شوروی فروپاشید. لاکان علت فروپاشی همه نظام‌های سیاسی را محدودیت آن‌ها به گستره نمادین و عدم ارتباط این ایده‌ها به گستره واقع می‌داند. رمان همسایه‌ها، تقابل شعارهای کمونیستی شوروی و نظام شاهنشاهی ایران حول وحوش وقایع ملی شدن صنعت نفت در دوره دکتر مصدق و امید واهی مردم به بهبود شرایط زندگی با جایگزینی کمونیسم به جای انگلیس و شاه را به تصویر می‌کشد درحالی‌که بر طبق نظر لاکان، مشکل اساسی در همین نظام‌هایی است که بر پایه تفکر آرمان‌شهری بنا شده‌اند که نه تنها امری دست‌نیافتنی و محال است بلکه زمینه بروز و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی، دل‌زدگی و یأس و سرگردانی عموم مردم را فراهم می‌آورند.

#### پیشینه پژوهش

امر سیاسی یکی از جدیدترین نظریه‌های نقد ادبی است. یانیس استاوراکاکیس،<sup>۲</sup> در کتاب لاکان و امر سیاسی، با بهره‌گیری از عقاید ژاک لاکان به بررسی نظریه‌های روان‌کاوی در حیطه سیاست پرداخته و تفاوت بارزی بین امر سیاسی و واقعیت سیاسی می‌بیند. تاکنون هیچ رمانی از این دیدگاه نقد نشده است. میرعبدینی در صدسال داستان‌نویسی ایران و نیز گلشیری، رمان‌های احمد محمود را از منظرهای دیگر نقد ادبی نقد کرده‌اند. رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود نخستین بار است که از دید روان‌کاوی ژاک لاکان و به‌خصوص حیطه امر سیاسی نقد و بررسی می‌شود.

## مبانی نظری تحقیق

### الف) گستره خیالی

بر طبق نظر لاکان، همه نیازهای اساسی سوژه (انسان) در بدو ورود به این عالم خاکی توسط مادرش تأمین می‌شود. در ناخودآگاه، نام پدر<sup>۳</sup> دخالت می‌کند که منجر به جدایی سوژه از مادرش می‌شود. سوژه متوجه می‌شود که تنها او موضوع میل و توجه مادر نیست بلکه شخص دیگری (پدر) به مثابه مانعی عمل می‌کند که سوژه را از توجه و موهبت‌های مادری محروم می‌سازد (هومر، ۱۳۸۱: ۹۲). همه سوژه‌ها، برای جلب توجه دوباره مادر، درصدد برمی‌آیند تا خود را شبیه پدر سازند به خیال این که نیاز مادر را همه‌جانبه حتی به جای پدر برطرف سازند. برای شبیه‌شدن به پدر، سوژه همه قوانین نانوشته پدر را بی‌چون و چرا پذیرا می‌شود و این سرآغاز ورود رسمی سوژه به گستره نمادین است. لاکان نشان داد که سوژه هنگامی که از کل بزرگ یا همان مادر خود جدا می‌شود، وجودی مستقل از وجود مادر دارد و به جستجوی هویت اصلی خود برمی‌آید. سوژه هنگامی که خود را در آینه می‌بیند می‌فهمد که مادرش نیازهایی همانند نیازهای خود او دارد. او تصویر درون آینه را خود واقعی‌اش می‌پندارد. همان‌انگاری سوژه از مرحله آینه‌ای شروع می‌شود و تا پایان زندگی خود با همین روش همواره در پی کسب هویت جدید است. سوژه برای به‌دست آوردن هویت، خود را با هرچه در محیط پیرامون ببیند همان‌انگاری می‌کند. او در محیطی پا به عرصه وجود می‌نهد که پر از ساختارهای زبانی از پیش موجود است و تمام کوشش خود را در فراگیری این ساختارهای زبانی به‌کار می‌بندد و هر یک از آن‌ها بخشی از هویت او را می‌سازند. سوژه، پیش از مرحله آینه‌ای، هیچ تصور کاملی از بدن خود ندارد و در اصل هیچ است. این "هیچ" که در آرزوی یک پارچگی و تمامیت به‌سرمی‌برد هنگامی که در آینه، تصویری یک‌پارچه از خود را می‌بیند مشتاقانه مجذوب تصویر شده و آن را به‌عنوان

خود می‌پذیرد. هویت نوزاد از این‌جا شکل می‌گیرد و بیگانه‌شدگی سوژه را موجب می‌شود. باید گفت که سوژه از چیزی بیگانه نشده، زیرا پیش از مشاهده تصویر کامل خود در آینه هیچ تصویری از خود واقعی‌اش هنوز در ذهن او شکل نگرفته است، دیدن تصویر، شیفته تصویرشدن و پذیرش تصویر به عنوان خود است که سوژه را تشکیل می‌دهد. در واقع، سوژه با توجه به تجربه‌اش در مرحله آینه‌ای، همواره خود را در دیگری می‌جوید (Benvenuto and Kennedy, 1986: 58-60). این امر در بزرگسالی سوژه به باورهای درونی او فراقکنی می‌شود و سوژه همواره خوشبختی واقعی و سعادت کامل را در دنیایی که خیالاتش آن را پرورده یعنی همان دیگری، جایی دیگر و آرمان‌شهر می‌بیند.

#### ب) گستره نمادین

گستره نمادین در دیدگاه لاکان دو بخش دارد که مرز مجزایی از هم ندارند: خانواده و اجتماع. سوژه در ابتدای ورود به گستره نمادین، تمام قوانین و هنجارهای نانوشته محیطی را که در آن به دنیا می‌آید می‌پذیرد و برطبق عادت از پیش تعیین‌شده، تن به قوانین اجتماع می‌دهد و آن‌ها را بدون هیچ‌گونه مقاومتی می‌پذیرد که این امر همان‌انگاری نام دارد (استاوراکاکیس، ۱۳۹۲: ۹۱). در این مرحله، قوانین اجتماع ساخته و پرداخته ناخودآگاه جمعی همه پدران در سرتاسر جامعه است که تأثیر شگرفی بر سوژه دارد و سوژه مطابق روال سابق، به امید وصال دوباره مادر، خود را با جامعه پیرامونی خویش و تمام هنجارهای آن (دال‌ها) شبیه‌سازی می‌کند و تا پایان عمر در چارچوب این هنجارها و الزامات پذیرفته‌شده در ناخودآگاه جمعی اجتماعی که در آن می‌زید، به‌سر می‌برد. هرگونه تخطی از این قوانین نانوشته پیامدهای ناگواری را برای جایگاه اجتماعی او به دنبال خواهد داشت، زیرا وظیفه سوژه تنها منحصر به انتقال تجربیاتی می‌شود که از قانون پدر به ارث برده است (Lacan, 1978: 89).

### پ) دلایل نام‌گذاری گستره نمادین و گستره واقع

نخست باید تمایز بین معنای آگو و سوژه مشخص شود. آگو اثر تصاویر است، کارکردی خیالی که بر تصویری توهم آمیز استوار است که سوژه در آینه می‌بیند. آگو در لحظه بیگانه‌شدگی و شیفتگی سوژه توسط تصویر خود در آینه به وجود می‌آید و در وهله نخست از طریق رابطه سوژه با بدنش ساخته می‌شود (Lacan, 1978: 29). تصویر آینه‌ای، که نمای کلی بدن نوزاد را نشان می‌دهد، درست در مقابل درک نوزاد از بدن تکه‌تکه خود به دلیل عدم شناخت کافی نوزاد از جسم خود قرار می‌گیرد. نوزاد می‌داند که تصویر، خود اوست و یک پارچه بودن آن سبب می‌شود تا او خود را با تصویر یکی انگارد. تصویر در عین این که به توان شناسایی نوزاد یاری می‌رساند بیگانه‌کننده است، زیرا با خود خلط می‌شود. سرانجام تصویر جای خود را می‌گیرد. نوزاد به قیمت از دست رفتن خود واقعی‌اش، خود را با تصویر یکی می‌کند و تصویر را هویت واقعی خود فرض می‌کند. تصویر، دیگری است.

نوزاد تصویر آینه‌ای خود (دیگری) را به عنوان هویت خود برمی‌گزیند و تصور می‌کند که اگر به این تصویر واقعی نهد امکان به وجود آمدن کلی یک پارچه دیگر برای او مهیا نخواهد شد. این ایده همواره در ذهن ناخودآگاه انسان ثبت می‌شود که دیگری برتر از خود اوست زیرا هنگامی که او تصویر آینه‌ای را می‌دیده درک درستی از یک پارچگی بدن خود نداشته است. این توهم پیوسته در ذهن انسان باقی می‌ماند که دیگری مطلوب است. سوژه همواره فرض می‌کند که خود به تنهایی کامل نیست و نیاز به شخص دیگری به عنوان مکمل دارد. این تصویر که سوژه را با خود بیگانه می‌کند آگو نام دارد. در مقابل آگو، سوژه قرار دارد که در نظام نمادین ساخته می‌شود و زبان، آن را تعیین می‌کند. آگو تصویری خیالی از خود است درحالی‌که سوژه همان خود واقعی یا هویت ساخته و پرداخته شده در گستره نمادین است. نه آگو و نه سوژه هیچ‌کدام خود

حقیقی انسان نیستند.

لاکان با استفاده از عقاید امیل بنو نیست زبان‌شناس<sup>۴</sup> به این نتیجه رسید که "من" جابه‌جا شونده است و مرجع مشخصی ندارد. سوژه معادل شخصی معین نیست. سوژه دائماً در حال تغییر و هویتی است که توسط دال‌های موجود در گستره نمادین ساخته می‌شود و وجود، استمرار و ثبوت آن بستگی به دال‌های پیرامونی‌اش دارد. دال‌های اطراف سوژه ثابت نیستند و پیوسته در حال دگرگونی‌اند. مسلم است دالی که خود ثبوتی ندارد نمی‌تواند هویتی بیافریند که مشخصه بارز آن ثبات باشد. بنابراین، "من" نه معرّف خود واقعی ما بلکه معرّف سوژه‌ای است که به ما الصاق شده است. یعنی "من" ماهیتی جابه‌جا شونده دارد و ماهیت ثابتی ندارد. لاکان بدین طریق از "من" ماهیت‌زدایی می‌کند. وقتی می‌گوییم "من"، این "من" همان "من" واقعی، ثابت و مطلق وجود ما نیست بلکه عبارت از سوژه‌ایست که دائم توسط دال‌های گستره نمادین در حال دگرگونی است. انسان هر لحظه در حال تغییر است، زیرا سوژه‌ای که به "من" واقعی الصاق شده تابع شرایط دال‌های پیرامونی خود، برای حیات باید پیوسته دگرگون شود. "من" که معرّف همه انسان‌ها در گستره نمادین است چیزی نیست جز سوژه‌ای که دائم در شرایط گوناگون تغییر ماهیت می‌دهد، ماسکی که خود حقیقی (من واقعی) انسان‌ها را پوشانده است. وجود این "من" که ماهیتش را مدیون سوژه‌ای است که به آن متصل شده، نماد بارز از خودیبگانگی انسان در گستره نمادین است. به دلیل این که دال‌های موجود در گستره نمادین، ماهیت سوژه را مشخص می‌کنند پس دال بر سوژه اولویت دارد. لاکان در جمله مشهور خود سوژه را چنین تعریف می‌کند: سوژه آن چیزی است که از طریق یک دال به دال دیگر بازنموده می‌شود (هوسر، ۱۳۸۱: ۶۹).

لاکان، من واقعی انسان را در گستره واقع می‌جوید. سوژه در گستره نمادین تنها توسط دال‌ها هویت می‌گیرد و با من واقعی انسان فاصله دارد. از سوی دیگر، لاکان در گستره نمادین قائل به وجود معنا نیست، یعنی هنگامی که معنای واژه‌ای را می‌جوییم تنها با

رجوع به دیگر واژگان آن را شرح می‌دهیم و معنای واژه دوم را نیز با رجوع به عبارت سوم و این زنجیره تا جایی ادامه می‌یابد که به هیچ مفهومی ختم نمی‌شود (زنجیره دال‌ها). سوژه‌ها تنها از طریق پیوندهای قراردادی مابین این واژه‌ها یا دال‌هاست که مفاهیم مورد نیاز خود را خلق می‌کنند. مفهوم حقیقی (من واقعی) در گستره واقع است. به همین دلیل، لاکان جهان مادی قابل مشاهده را گستره نمادین می‌نامد، زیرا تنها نمادها (دال‌ها) در آن حقیقی‌اند. او حقیقت مطلق انسان و جهان را در گستره واقع می‌بیند، از این رو، نام آن را گستره واقع (دنیایی روانی که حقیقت واقعی آن‌جاست) می‌نهد (همان: ۶۷).

### ت) گستره واقع

مهم‌ترین نظریه لاکان، گستره واقع (ورطه بی‌نهایت) است. گستره واقع از ابتدا بوده و همیشه خواهد بود. لحظات گوناگونی در زندگی وجود دارد که سوژه‌ها وجود گستره واقع را حس می‌کنند و این گستره، همواره مانند قلبی تپنده در زیر گستره نمادین اعلام وجود می‌کند. گستره واقع هیچ‌گاه قابل بازنمایی در گستره نمادین نیست، یعنی تجربه‌ایست که سوژه‌ها قادر به بیان آن در چارچوب محدود قواعد زبان نیستند، حسی است که هیچ‌گاه نمی‌تواند بر زبان جاری شود. فینک برای تبیین آن سوژه‌ای را مثال می‌زند که به دختری علاقه‌مند است ولی دیگران هرگز قادر به درک دلیل اصلی علاقه او نیستند. ممکن است پیرامون این سوژه دختران زیادی باشند که از لحاظ زیبایی، خصال اخلاقی و دیگر ویژگی‌ها از این دختر برتر باشند اما چیزی که سوژه را جذب او می‌نماید حسی است که نمی‌توان با کلام آن را تعریف کرد. این حس ویژه، تنها ذره بسیار کوچکی از گستره بی‌انتهای واقع در ناخودآگاه سوژه است، دنیایی که هیچ‌گاه بازنموده نمی‌شود (Fink, 1995: 94).

لاکان، گستره واقع را "چیز" نمی‌داند چون اگر "چیزی" (مادی) باشد قابل بازنمایی و



تعریف خواهد بود. بنابر نظر فینک، بشر هر چه به خواست‌های بی‌نهایت درونی خود برسد باز هم خواست حقیقی خود را که می‌تواند او را بی‌نیاز و جاودان سازد یک پله دورتر می‌بیند که حاکی از دست‌نیافتنی بودن گستره‌ی واقع در گستره‌ی نمادین است: «سرانجام فکر می‌کنیم که باید چیز بهتری وجود داشته باشد، می‌گوییم که باید چیز بهتری وجود داشته باشد، باور داریم که باید چیز بهتری وجود داشته باشد»

(Fink, 1995: 35). سوژه، گستره‌ی واقع را باور دارد و در ذهن به آن انسجام و پیوستگی می‌بخشد، یعنی "هیچ‌چیز" را به "چیزی" بدل می‌کند. لاکان برای حد‌نهایی لذت حقیقی بشر تعبیر "Jouissance"<sup>۵</sup> (ژوئیسانس) را به کار می‌برد. سخن گفتن از ژوئیسانس دشوار است. سوژه همواره احساس می‌کند که "چیز" بیشتری وجود دارد، چیزی که آن را از دست داده است. این "چیز" بیشتر، که سوژه را فراتر از لذات ناچیز تجربه‌شدنی ارضاء می‌کند، ژوئیسانس است. سوژه نمی‌داند ژوئیسانس چیست اما، از آن‌روی که در وضعیتی ارضاء‌نشده قرار دارد، فرض می‌کند که قابل درک است. دست‌یابی به ژوئیسانس از محالات است اما بشر همیشه در آرزوی آن به‌سرمی‌برد. هیچ‌چیز سوژه را سیر نمی‌کند و نمی‌تواند نیاز بنیادین او را پاسخ دهد. ژوئیسانس، به نوعی، خودِ واقعیت است و وجود دارد، زیرا سوژه خواهان آن است. نمادپردازی در گستره‌ی نمادین هرگز کامل نیست و "چیزی" وجود دارد که همواره از ما می‌گریزد و هرگز در قالب کلام نمی‌گنجد. ژوئیسانس پاسخی برای میل بی‌نهایت سوژه است ولی قابل بیان و نمایش نیست (Fink, 1995: 28). زبان نمی‌تواند کل حقیقت را بیان کند و بر ملا شدن موقعیت گستره‌ی واقع تنها در تجربه‌هایی شخصی ممکن است که هیچ‌گاه نمی‌توان آن‌ها را شرح داد (استاوراکاکیس، ۱۳۹۲: ۱۰۳). سوژه‌ای که هرگز با زرق و برق گستره‌ی نمادین ارضاء نمی‌شود در جستجوی بهشتی گم‌شده است که هیچ‌گاه به آن نخواهد رسید ولی فکر می‌کند که می‌تواند آن را به دست بیاورد. این فقدان هستی‌شناختی، پایه و اساس آرمان‌شهر را می‌سازد. ساختار اجتماعی بر به رسمیت

شناختن نسبیست استوار است و با این نسبیست اجتماعی آرمان‌شهر مطلق محقق نخواهد شد زیرا درک واقعیت مطلق گستره واقع، با ابزار زبانی و عقلی موجود در گستره نمادین ناممکن است. درک گستره واقع به تناسب میزان دوری سوژه‌ها از گستره نمادین است. شاید آن چه نزد راهبی تبتی، که از تعلقات نمادین فاصله گرفته است، واقعی به نظر می‌آید نزد تاجری آمریکایی واقعی نباشد (Berger and Luckmann, 1993: 15).

#### ث) آرمان‌شهر

بشر همواره در تلاش برای ساختن نظامی سیاسی است که در نهایت منجر به ایجاد آرمان‌شهر آرزوهایش شود، جامعه‌ای که همه در آن برابرند و از تفاوت‌های طبقاتی و فردی خبری نیست. در حقیقت، ایده بنای آرمان‌شهر از بنیان و ریشه امری محال است و آرمان‌شهری که بتواند نیازهای بی‌نهایت بشر را پاسخ دهد چیزی جز فانتزی یا خیالی واهی نیست. ورود به دنیای اجتماعی (گستره نمادین) به معنای از دست‌دادن عرصه واقعیت مطلق (که می‌تواند زمینه‌ساز آرمان‌شهر باشد) و تخلیه ژوئیسانس از بدن است، به این معنا که رابطه انسان با گستره واقع به محض ورود به جهان قطع می‌شود (Leader, 1996: 148). ورود به گستره نمادین یعنی پذیرفتن چارچوب قوانین زبان از پیش موجود و زبان از حضور کامل عرصه واقع (ژوئیسانس) منع می‌کند به این دلیل که بشر با ورود به این جهان برای ادامه زندگی خود راه دیگری در پیش رو ندارد و باید از گستره واقع و آرزوهای دراز خود چشم‌پوشی کند (Ragland-Sullivan, 1995: 4).

آرمان‌شهر برابر با گستره واقع است، مواجهه‌ای ناممکن در گستره نمادین که همانند روان‌ضربه، سوژه را در وضعیتی رنج‌آور و ارضاء‌نشده قرار می‌دهد. لاکان تمایزی اساسی بین گستره واقع (امر سیاسی) دست‌نیافتنی و واقعیت سیاسی (گستره نمادین)

دست‌یافتنی قائل است. گستره واقع زمینه‌ساز آرزوی آرمان‌شهر است و سوژه هیچ‌گاه نمی‌تواند در گستره نمادین بدان دست یابد. هنگامی که دیگری بزرگ (مادر) که نماینده گستره واقع است کنار می‌رود، تمام آن‌چه برای سوژه اهمیت می‌یابد در دیگری کوچک یا دیگران (دال‌ها) خلاصه می‌شود و سوژه پیوسته درگیر با این نمادها (دال‌ها) خواهد بود. آرمان‌شهر دست‌نیافتنی است و تنها می‌توان آن را در تصویرسازی‌های ذهنی پرورد. سازه‌های خیالی (فانتزی) سرشار از توهم بر فقدان موجود در گستره نمادین سرپوش می‌گذارند تا سوژه به لذتی هرچند ناچیز و آنی برسد. فانتزی، یکی از راه‌هایی است که سوژه به کمک آن با عدم رضایتش از ژوئیسانس دست‌نیافتنی و برکناری گستره واقع در گستره نمادین کنار می‌آید. سوژه همواره در فانتزی و توهم رسیدن به آرمان‌شهر به سر می‌برد و همین توهم، انگیزه کافی به او می‌دهد تا با جدیت راه را برای ساختن نظام سیاسی ایده‌آل (آرمان‌شهر) هموار سازد، اما لاکان معتقد است رسیدن به آرمان‌شهر (به عنوان بازنمایی گستره واقع در گستره نمادین) محال است (Leledakis, 1995: 175) و همه این آرزوهای بی‌نهایت از میل (رانه) سرچشمه می‌گیرد. میل از دید لاکان با غریزه متفاوت است. غرایز گرسنگی و یا تشنگی را می‌توان برطرف نمود ولی میل هرگز ارضاء شدنی نیست و هیچ‌چیز نمی‌تواند زبانه‌های سرکش این آتش درون را خاموش کند. میل با فشاری که وارد می‌کند محرک سوژه می‌شود (Freud, 1984: 119) و سوژه را وادار می‌کند تا سراغ ارضاء خواسته‌های بی‌نهایتش برود. همین امر سبب می‌شود تا هیچ‌گاه انسان از رسیدن به آمال بی‌حد و حصر خود دست نکشد، اما از سوی دیگر محال بودن دست‌یابی به گستره واقع و نیز میل شدید انسان به سوی این خواسته، روان‌ضربه‌ای را موجب می‌شود که سوژه به خاطر آن همواره احساس سرگردانی را به دوش می‌کشد (هومر، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

نرسیدن به آرزوهای بزرگ و دور و دراز موجب بروز فقدان می‌شود. سوژه همیشه به این موضوع فکر می‌کند که چیزی از او کم شده و یا آن را گم کرده است. این فقدان

هنگام ساخت نظام‌ها و ایده‌های سیاسی برای بهبود وضع بشر خود را به روشنی نشان می‌دهد (Butler, 1993: 10). به باور لاکان، یکی از نمونه‌های عدم توفیق سوژه‌ها در ساختن آرمان‌شهر، نظام کمونیستی شوروی است. ایده زدودن مالکیت خصوصی، برابری و ایجاد آرمان‌شهری واحد سبب شد که بانیان این تفکر درصدد پاکسازی مخالفان برآیند تا بدین طریق جامعه ایده‌آل خود را تشکیل دهند. لاکان استدلال می‌کند که سوژه‌ها هیچ‌گاه نمی‌خواهند فقدان درونی خود را در عدم امکان رسیدن به گستره آرزوهای بی‌پایان خود باور کنند و دست‌یابی به آرمان‌شهر را ممکن می‌انگارند. آن‌ها مشکل اصلی را وجود نیروهای مخالف ایده خود می‌پندارند و گمان می‌کنند که با حذف مخالفان طرح خود، می‌توانند به آرمان‌شهر مطلوب خود دست یابند. همه نظام‌های سیاسی، مبتنی بر فانتزی‌اند و وقتی آحاد ملت به آرزوهای خود در نظامی سیاسی دست نمی‌یابند مطابق عادت در انتظار ظهور غیرمترقبه خوشبختی می‌نشینند و خود را با چنین فانتزی زیبایی مشغول می‌کنند (Cohn, 1993: 35). گروه‌های نظریه پرداز که گاهی برای برون‌رفت از وضعیت بغرنج فعلی دست به طراحی‌های مختلفی می‌زنند، حل مشکل فقدان درون خود را در بیرون می‌جویند. نتیجه این فانتزی وحشتناک، نمونه‌هایی نظیر کشتار گروهی مخالفان ایده کمونیسم برای برپایی جامعه‌ای اشتراکی و یک‌پارچه است. شوروی، با قلع و قمع خاندان سلطنتی تزار و سپس دیگر مخالفان از جمله خیل عظیمی از مسلمانان، درصدد ایجاد فانتزی خود بود ولی گذر زمان نشان داد که تلاش برای ابقاء این‌گونه خیالات واهی چیزی جز سراب نیست (Bauman, 1989: 93).

آرمان‌شهر دست‌نیافتنی است و فروپاشی شوروی و دیگر نظام‌های مبتنی بر برپایی آرمان‌شهر نظیر نظام نازی آلمان به رهبری هیتلر دلیل صحت ادعای لاکان است. لاکان بر این باور است که ایده برپایی آرمان‌شهر، سبب ظهور دیکتاتورهایی می‌شود که هیچ‌چیز جز رسیدن به آرزوهای محال برایشان اهمیت ندارد. ایده آرمان‌شهر برابر با

دیکتاتوری است و تنها زمانی می‌توان با آن مقابله نمود که فقدان به‌عنوان پشتوانه افکار بشر پذیرفته شود، یعنی این که رسیدن به آرمان‌شهر (گستره واقع) که در آن همه نیازهای بشر ارضاء می‌شود غیرممکن است. لاکان برپایی دموکراسی واقعی بر اساس رأی و نظر تک‌تک افراد جامعه را به دلیل دخالت سلیقه‌ها امکان‌پذیر نمی‌داند و ایجاد آرمان‌شهری بر پایه تفاوت‌های فردی (دموکراسی واقعی) را غیرممکن می‌داند. رسیدن به آمال و آرزوهای بی‌کران انسان در گستره نمادین امکان ندارد حتی اگر عنوان دموکراسی داشته باشد، زیرا رسیدن به ژوئیسانس محال است. وقتی برای برپایی جامعه‌ای نمونه، سلیقه‌های مختلف از میان برداشته شوند خود دموکراسی از بین می‌رود و اگر به همه سلیقه‌ها احترام گذاشته شود، اساساً، به دلیل اختلافات، دیگر جامعه‌ای تشکیل نخواهد شد. درست است که دموکراسی به هر نوع دست‌کاری، گمراهی و عوام‌فریبی میدان می‌دهد ولی به محض این که امکان حضور سلیقه‌های گوناگون را برداریم، خود دموکراسی را از دست می‌دهیم و اگر برنداریم برپایی جامعه‌ای منظم محال است (Zizek, 1989: 148). دموکراسی مستلزم به رسمیت شناختن دیگری است (Touraine, 1997: 192) ولی در عین حال، "من" (یک گروه سیاسی) با وجود "تو" (گروه سیاسی رقیب) نمی‌تواند اعلام وجود کند، بنابراین از دید لاکان دموکراسی واقعی و ناب وجود ندارد (استاوراکاکیس، ۱۳۹۲: ۲۶۲) و آمال بشریت برای برپایی آرمان‌شهری یک‌پارچه نیز به وقوع نخواهد پیوست.

## ث) تحلیل داده‌ها

### ث-۱) شرح رمان

رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود داستانی سیاسی است که ارتباط مستقیم با وقایع تاریخی - سیاسی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ دارد (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۴۷۳). داستان در یکی از محله‌های پایین‌دست جنوب کشور رخ می‌دهد. فضای اصلی داستان که نام

کتاب برگرفته از آن است به دو بخش خانه و زندان تقسیم می‌شود. در خانه و زندان، نخستین چیزی که با آن مواجه می‌شویم فقر، فلاکت و بدبختی است. همسایه‌ها در خانه‌ای زندگی می‌کنند که سهم هر یک از آن‌ها تنها اتاقی تودرتو است و بر فرودستی این گروه از جامعه تاکید می‌ورزد. به دلیل شرایط جامعه آن دوران، هیچ‌کدام از همسایه‌ها اعم از خالد (شخصیت اصلی داستان) و خانواده‌اش یا امان آقا و همسرش بلورخانم، رنگِ خوشِ زندگی را به روی خود ندیده‌اند. خالد نوجوان تهیدستی است که ناخواسته وارد مبارزات سیاسی علیه نظام سلطه انگلیس در برهه ملى شدن صنعت نفت ایران می‌شود و به زندان می‌افتد. او می‌کوشد تا در زندان افکار خود را عملی کند، افکاری که تحت تأثیر کمونیسم وعده برابری و عدالت می‌داد اما موفق نمی‌شود.

### ث-۲) گستره خیالی

افکار عمومی در آن دوران خواهان برچیده شدن سلطه اجانب و در رأس آن‌ها انگلیس از کشور بود که بخش اعظم منابع نفتی جنوب را در اختیار داشت اما منابع ملى شمال ایران که عملاً در دست شوروی بود مخالفت چندانی را بر نمی‌انگیخت، زیرا کمونیست‌ها شعارهای آرمان‌گرایانه سرمی‌دادند که مطابق با خیال‌ورزی‌های ملت بود. به بیان بهتر، تک‌تک افراد جامعه بار از خودبیگانگی را از دوران کودکی در مرحله آینه‌ای به دوش می‌کشند و هویت خود را در "دیگری" می‌جویند حال تفاوتی نمی‌کند "دیگری" انگلیس باشد یا شوروی فقط باید "خود" نباشد. مردم انتظار برپایی آرمان‌شهر را از دیگری طلب می‌کنند در صورتی که چنین مطالبه‌ای را در گذشته‌ای نه‌چندان دور تجربه کرده‌اند که نتیجه آن نظام شاهنشاهی شده است. کمونیست‌ها، به‌رغم سردادن شعارهای انسان‌دوستانه خود، تقریباً بر نیمه شمالی کشور و منافع حاصل از آن حکمرانی می‌کردند. استفاده ابزاری کمونیست‌ها از شعارهای انسان‌دوستانه، برابری و عدالت چهره آن‌ها را از یک دشمن تمام‌عیار به کسانی تبدیل

کرده بود که ضدامپریالیسم‌اند و خیر و صلاح مملکت را می‌خواهند. مردم فرودست به شدت تحت تاثیر افکار مارکسیستی بودند و نمی‌دانستند که شوروی فرقی با انگلیس ندارد و استعمار چه با شعار امپریالیستی و چه با شعار مارکسیسم دردی از این مردم مفلوک دوا نخواهد کرد. عده‌ای مبارز روشنفکر بر این باور بودند که هم نفت جنوب که در دست انگلیسی‌هاست و هم نفت شمال که در دست شوروی است هر دو باید ملی شوند و شوروی برای ملت ایران هیچ‌کاری نخواهد کرد:

«چرا نباید نفت شمال ملی بشه... این چه ربطی به جهان‌بینی مارکسیستی داره»

(محمود، ۱۳۵۷: ۱۷۰).

### ث-۳) گستره نمادین

خالد از بی‌عاری پدر رنج می‌کشد و با واقعیت‌هایی از زندگی روبه‌رو می‌شود که بسیار گزنده و تلخ است. پدر خالد تنبلی و کسالت خود را پشت چهره ظاهرالصلاح خود پنهان کرده و تنها هنرش انتظار رزق و روزی از آسمان است و شرایط بد اقتصادی جامعه نیز مزید بر علت شده است. او:

«دکان را بسته است و تو اتاق خودش چله نشسته است... همین طور که قرض بالا

می‌آید، ورد خوانی پدر هم بیشتر می‌شود» (همان: ۳۲).

پدر خالد میان عقاید بی‌مصرف و موهوماتی که از پیشینیان خود در گستره نمادین به ارث برده، غوطه‌ور است و هر چیزی را که به او رسیده بی‌چون‌وچرا پذیرفته، بی‌آن‌که به درستی یا نادرستی این افکار موروثی اهمیتی دهد. او تنها انتقال‌دهنده چیزی است که دیده و فراگرفته، بدون این‌که کوچک‌ترین تردیدی در درستی افکارش به خود راه دهد.

محمد مکانیک درست برعکس پدر خالد فردی بی‌سواد و عامی ولی با روحیه‌ای انقلابی است که هر چیزی را بدون تفکر نمی‌پذیرد و همه‌چیز را می‌سنجد ولی تندروی

او سبب شده تا با همه عقاید رایج پیرامون خود اعم از سیاسی و دینی مخالفت کند. او عامل همه بدبختی‌های جامعه خود را پیروی بی‌چون و چرا از آداب، رسوم و سنت‌هایی می‌داند که آغشته با خرافات عجیب، گروهی از انسان‌های بی‌فکر را به ناکجاآباد می‌برد. او در این داستان نماینده لیبرالیسم افراطی است و نه تنها به متافیزیک اعتقادی ندارد بلکه چنین مفاهیمی را موجب در بند شدن انسان‌ها می‌پندارد. او بی‌سواد است و عدم آگاهی او سبب شده تا نقطه مقابل پدر خالد باشد و افکار کمونیستی آن دوران را بی‌چون و چرا بپذیرد. عاقبت به‌خیر شدن در دنیایی دیگر او را قانع نمی‌کند چون تنها تعلقات گستره نمادین می‌تواند او را راضی نگه دارد:

«بس که وعده شنیدیم، وعده‌دونمون در اومد. هر چی بیشتر فلاکت می‌کشیم، بیشتر به اون دنیا حوالمون می‌دن» (همان).

حاج شیخ علی، نماد کسانی است که با سوءاستفاده از باورهای مردم در صدد چاپیدن طبقه بی‌سواد و فرودست برآمده‌اند. وی خود را تافته جدابافته می‌داند و اعتقادش بر این است که امثال:

«محمد مکانیک جایش ته جهنم است» (همان).

انسان‌های ساده‌لوح و بی‌عار نظیر پدر خالد، احترام زیادی برای او قائلند، زیرا در مسلک وی می‌توانند برای کارهایشان توجیه مناسبی پیدا کنند. محمد مکانیک که از دست او و امثالش بیزار است این‌گونه ظاهر سازی‌ها را بر نمی‌تابد و می‌گوید:

«آخر اینم شد کار که من زحمت بکشم و بدم یه مشت شکم گنده؟» (همان).

رئیس کلانتری نیز هم‌کاسه دزدهاست و به شکایت و حرف‌های عمو بندر که در بازار سبزی‌فروش‌ها پول‌هایش را زده‌اند، گوش نمی‌دهد. در واقع، همه این افراد به نوعی به بیراهه رفته‌اند. به هر حال، قشر پایین دست جامعه همگی درگیر عقاید و بافته‌های ذهنی برآمده از الزامات و چارچوب‌های مبتنی بر جهل و خرافه گستره نمادین‌اند. عقاید محتوم پیشینیان سبب شده تا این افراد نه تنها بر نظام حاکم خرده



نگیرند بلکه حتی برای فرودستی خود نیز دلیل بتراشند.

محمد مکانیک، تحت تاثیر فضای فکری جامعه آن‌روز که تا حدی متمایل به شوروی بود، اعتقادات مذهبی مردم را خرافه و مایه ادبار آن‌ها می‌داند:

«اسیر همین مزخرفاتیم که همیشه بدبختیم، که همیشه باید مثل خر کار کنیم و کیفش رو دیگرون بیرن، که همیشه توسری خور و گشنه هستیم» (همان: ۲۷).

ایده اصلی رمان این است که حتی کمونیسم شوروی با شعارهای آزادی خواهانه نخواهد توانست آرمان شهر مد نظر خود را برپا کند و خرافات و اوهام ذهن مردم را بزدايد، زیرا شعارهای آن‌ها با واقعیات گستره نمادین منطبق نیست. مردم ایران در فقر به‌سرمی‌برند و چاره‌ای ندارند جز این که به کشورهای حاشیه خلیج فارس بروند و با ذلت، نوکری اجانب عرب را با آغوش باز پذیرا باشند:

«تو کویت پول هست ولی با خفت و خواری ... آدم خیال می‌کند که عرب‌ها نوکر فرنگی‌ها هستند و تو نوکر عرب‌ها. چنان باد به غیب می‌اندازند و چنان خیزران به سر و کولت می‌کوبند که انگار نه انگار آدمی» (همان: ۱۲۴).

جامعه سنتی آن روز هنوز در بافته‌های پوچ و برداشت‌های سطحی خود دست‌وپا می‌زند:

«پدرم معتقدده که ... اینا همه مشیت پروردگاره. آدم وقتی به دنیا می‌یاد، تموم زندگیش تو پیشونیش رقم زده شده» (همان: ۱۰۸).

باید افزود که همین باورها به واقعیت گستره نمادین نزدیک‌تر است، زیرا رساندن جامعه به شرایط ایده‌آل (آرمان‌شهر) محال است و مبارزات مردم، دور باطلی است که در عمل نمی‌تواند بخش عمده‌ای از ساختارهای اجتماعی تثبیت شده در ذهن مردم را دگرگون سازد. به علاوه، شعارهای آرمان‌گرایانه مبارزان ریشه در گستره واقع و میل سیری‌ناپذیر درون انسان‌ها دارد که با واقعیات زندگی محدود سوژه‌ها در گستره نمادین متفاوت است.

عدم آگاهی و بی‌سوادی در آن‌روز تا بدان‌جاست که هنوز بسیاری از مردم معنای استعمار را نمی‌دانند:

«نمی‌دانم این "استعمارگر خون‌خوار" چه جور جانوری است که فقط خون می‌خورد و اشتهايش هم سیری‌ناپذیر است. لابد، بی‌جهت اسم "استعمارگر" را "خون‌خوار" نگذاشته‌اند. باید دلیلی داشته باشد» (همان: ۱۰).

و سبب شده بود که ظلم و جور حاکمان وقت، زندگی سختی را برای مردم رقم زند: «پدرم تمام زمستان بی‌کار بود. حالا که هوا رو به گرمی می‌رود باز هم بی‌کار است. صبح‌ها راه می‌افتد می‌رود دکان و شب‌ها دست خالی برمی‌گردد... حالا، حتی دسته بیل رو هم از خارج می‌یارن، حتی میخ طویله رو» (همان: ۲۰).

جهل و نادانی در تاروپود جامعه ریشه دوانده است:

«درس خوندن زیاد، آدمواز دین به در می‌کنه» (همان: ۱۹۰).

با رفتن انگلیسی‌ها و به دست آوردن پیروزی اولیه، آب از آب تکان نخورده است:

«کشتی جنگی انگلیسی‌ها، دمش را انداخت رو کولش و رفت ولی هنوز از رو به راه

شدن زندگی خبری نیست» (همان: ۲۳۱).

مردم از این نکته غافلند که حتی اگر شوروی بر ایران چیره شود باز هم آن‌ها روی خوش آسایش را نخواهند دید. دلیل اصلی این نابسامانی‌ها چیست؟ مردم درگیر بافته‌های ذهنی خود از عقاید به‌ارث رسیده از پیشینیان‌اند و اصلی‌ترین علت فلاکت و تحت ستم بودن جوامع، پذیرفتن بی‌چون‌وچرای افکاری است که آن‌ها را در بند اسارت کرده‌است و قادر به تغییر آن‌ها نیستند. تکرار بیش از اندازه یک باور بین مردم باعث می‌شود که این باور به عنوان دالی درآید که موقعیت مردم در رابطه با این دال تعیین شود. برای نمونه، ازدواج در جوامع مختلف آداب و رسوم مختص خود را دارد و نقش نمادی را بازی می‌کند که موقعیت مردم در رابطه با آن تعیین می‌شود. افراد یک جامعه برطبق ساختاری از پیش تعیین شده ازدواج می‌کنند و عدول از این قوانین برای

آن‌ها دشوار است، زیرا ازدواج دالی است که بر آن‌ها احاطه دارد. در این فضا، نمادها از آن چیزی که نماد آند واقعی‌ترند (Roudinesco, 1999: 211). کلام غالب در اجتماع را اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه می‌پذیرند، قوانینی نانوشته که بر سوژه‌ها احاطه دارد.

#### ث-۴) گستره واقع و مفهوم آرمان شهر

حوادث داستان در دوره نهضت ملی شدن صنعت نفت رقم می‌خورد. خالد نوجوانی فقیر است که ناخواسته درگیر مبارزات سیاسی آن دوران می‌شود. گروهی با محوریت فردی به نام شفق و همکاری جوانانی به نام‌های پندار و بیدار عهده‌دار فعالیت‌های ضدامپریالیسم در دفاع از ملی شدن صنعت نفت‌اند و تا پای جان برای رسیدن به آرمان‌هایشان فداکاری می‌کنند و حتی نام آن‌ها نیز مبین خیال‌ورزی‌ها و آرمان‌گرایی آن‌هاست. خالد در گیرودار فعالیت‌های سیاسی به زندان می‌افتد و همه شکنجه‌های بازجویان را تحمل می‌کند تا به اهداف آرمانیش که چیز زیادی از آن‌ها سردر نمی‌آورد نزدیک‌تر شود غافل از این که زحمات آن‌ها فایده‌ای نخواهد داشت. هدف مبارزات ضدانگلیسی دوران دکتر مصدق، کوتاه کردن دست اجانب از منابع ملی کشور بود اما تضعیف انگلیس از یک سو موجب تقویت جبهه شوروی از سوی دیگر می‌شد.

مقصد واقعی انگلیسی‌ها برای ملت ایران شناخته شده است ولی این ملت در بند، هنوز از دسیسه‌های شوروی اطلاعی ندارد و بی‌سوادی میان عموم مردم موج می‌زند: «همیشه یادت باشه که انگلیسیا سر قبر پدرشون هم بدون منظور فاتحه نمی‌خونن» (محمود، ۱۳۵۷: ۱۱۶).

گروه مبارزی که خالد عضوی از آن‌هاست رفتار و منشی انقلابی دارند و می‌کوشند باورهای سنتی را بزدایند و تن به سلطه‌پذیری ندهند:

«حرف‌های پدرم، مثل حرف‌های حاج شیخ علی است: اگه خدا نخواه، حتی یه

برگ هم از درخت نمیفته. حرف‌های محمد مکانیک مثل حرف‌های بیدار [یکی از مبارزان] است: همه چیز رو می‌شه عوض کرد، همه چیز رو» (همان: ۱۰۹).

این سخنان نشان‌دهنده نفوذ گسترده افکار مارکسیستی میان مبارزان آن روزگار است. شعارهایی که مبارزان سر می‌دهند شباهت بسیاری با عقاید مارکس دارد:

«حرف ما اینه که چرا گشنه‌ها باید گشنه تر بشن و پولدارا پولدارتر» (همان: ۱۰۸).

کمونیست‌ها با شعار آرمان‌شهر و ایجاد مساوات درصدد گسترش نفوذ دیکتاتوری خود در سرتاسر جهان بودند درحالی‌که برپایی آرمان‌شهر محال است. مسأله اصلی این است که سیاست‌مداران دنیا، به ویژه نظام‌های دیکتاتوری، از عدم امکان برپایی آرمان‌شهر به خوبی مطلع هستند ولی برای رسیدن به جاه‌طلبی‌های خود با تبلیغات و سایر ابزارها مردم را در جهل نگه می‌دارند. غرق بودن ملت در اوهام خوش و فانتزی‌های دست‌نیافتنی، راه را برای رسیدن این دسته از سیاست‌مداران به خواسته‌های خویش هموار می‌سازد. فقر و فلاکت عموم مردم در رمان همسایه‌ها، نشأت گرفته از بی‌خبری و جهل مطلق است. گروهی هم که دست به مبارزه می‌زنند به آرمان‌شهر نخواهند رسید. هنگامی که مردم از تصویب شدن لایحه ملی شدن صنعت نفت مطلع می‌شوند شور عجیبی میان آن‌ها برپا می‌شود:

«شهر، یک پارچه شده است شور و شادی ... مجلس به خواست توده مردم، لایحه ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرده است. مردم با چهره‌های برافروخته و لب‌های به خنده نشسته، جابه‌جا دور دسته‌های نوازنده، جمع شده‌اند به پای کوبی و دست‌افشانی ... پیروزی همه را بی‌قرار کرده است. مردم برای هر کاری حاضرند. فریادهای شادی، کف به دهان‌ها آورده است» (همان: ۲۱۲).

با وجود مبارزات بی‌امان ملت، هیچ‌چیزی تغییر نکرده ولی همه امیدوارند و در عین حال بهبودی در شرایط زندگی آن‌ها نیز حاصل نمی‌شود، فقط آن‌ها باید امیدوار بمانند. توده مردم به دلیل عدم آگاهی از دسترس‌ناپذیر بودن ژوئیسانس با وجود

مشقت‌های گوناگون، پیوسته در انتظار بهبود شرایط باقی می‌مانند:  
«از پدرم نامه آمده است ... حالا شانزده روز است که پدرم کار می‌کند. چشمان مادرم برق می‌زند. برق اشک است ... خوشحال است. نمی‌خندد، اما خوشحال است»  
(همان: ۹۲).

شعار برابری مارکسیست‌ها جز یک فانتزی موهوم چیز دیگری نبود. مبارزان رمان همسایه‌ها به امید برپایی نظام سیاسی مطلوب از جان و مال خود گذشتند غافل از این که برپایی چنین نظامی رویایی دست‌نیافتنی است که بشر در فانتزی خود ایده رسیدن به آن را به امید داشتن لذتی هرچند ناچیز در سر می‌پروراند. شکست خوردن اعتصاب غذای خالد و هم‌بندانش در زندان تلنگری اساسی بود تا درون خفته آنان را بیدار کند. مبارزات خالد و هم‌فکرانش محکوم به شکست است، زیرا اساس و بنیان فکری مبارزان آن‌روز ایده آرمان‌شهر کمونیستی بود که ذاتاً محال است.

### نتیجه

خالد، قهرمان رمان همسایه‌ها، با قدم نهادن در ورطه خطرناک مبارزات سیاسی می‌کوشد شعارهای آرمان‌گرایانه را در زندان عملی کند. او با به‌راه انداختن شعار یک‌پارچگی و اتحاد در زندان و اعتصاب غذا برای بهبود وضع معیشتی زندانیان سعی در عملی کردن ایده بلندپروازانه ذهن خود دارد ولی چیزی جز شکست عایدش نمی‌شود:

«صد و یک روز است که تو انفرادی هستم ... خیال می‌کردیم که رئیس زندان را عوض می‌کنند، اما نشد ... حتی وقتی که بچه‌ها از جلو انفرادی رد می‌شوند که بروند ناهار بگیرند و یا بروند شام بگیرند، باید بنشینم که از سوراخ گرد در آهنی چشمم به هیچ تنابنده‌ای نیفتد» (همان: ۴۹۶).

با وجود جان‌فشانی‌های خالد و دوستانش، زندگی در زندان به روال عادی خود

بازمی‌گردد. سیستم حکومتی در هر دوره‌ای بر طبق زنجیره دلالت دال‌ها در جامعه یا همان گستره نمادین شکل گرفته است و کوشش برای برون‌رفت از وضعیت حاکم درونی‌شده در ناخودآگاه تک‌تک افراد جامعه چیزی جز آب درهاون کوبیدن نیست. آرمان‌شهر دست‌یافتنی نیست، زیرا در گستره نمادین و این جهانی انسان‌ها قرار ندارد. خالد حتی در محیط کوچک زندان نمی‌تواند ایده هماهنگی و یک‌پارچگی مد نظرش را عملی کند. هرگونه تلاش در جهت ساخت چنین فانتزی زیبایی حاصلی جز به وجود آمدن دیکتاتوری ندارد، زیرا نظام فکری حاکم، برای یکسان‌سازی آحاد ملت، مجبور است گروه مخالف را از صحنه بیرون کند. درست همان‌طور که ناصر دوانی، از زندانیان هم‌فکر خالد، در نهایت نتوانست همه زندانیان را با خود همراه کند و رستم افندی را که از مخالفان بود، کشت.

همه نظام‌هایی که بر پایه چنین تفکری شکل گرفتند، مدتی اندک پس از برپایی، فروپاشیدند. به تعبیر ساده‌تر، به دلیل این که آرمان‌شهر ذاتاً محال است، می‌توان فروپاشی نظام‌های سیاسی مبتنی بر آن را حتی در صورت برپاشدن، پیش‌بینی کرد. ژاک لاکان با تبیین چگونگی عملکرد گستره واقع به این نتیجه می‌رسد که بشر برای جامه عمل پوشاندن به آرزوهای برخاسته از میل سیری‌ناپذیر خود پیوسته در جستجوی بهشت گم‌شده‌ای است که هیچ‌گاه در محدودیت‌های گستره نمادین و مادی این جهان قادر به بازنمایی آن نیست و این فقدان ذاتی خود (عدم امکان دست‌یابی به آرمان‌شهر) را باور نمی‌کند. نتیجه این امر، تاسیس پیاپی ساختارهای مختلف سیاسی و غیرسیاسی است که ناکامی آن‌ها دیری نمی‌پاید.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Jacques Marie Emile Lacan (1901-1981): روانکاو و فیلسوف فرانسوی که بسط‌دهنده نظریات فروید بود.
۲. Yannis Stavrakakis: استاد علوم سیاسی دانشگاه ارسطو در شهر تسالونیک یونان.
۳. منظور از نام پدر، خود شخص پدر نیست زیرا ممکن است هنگام تولد کودک پدرش فوت کرده باشد. نام پدر در اصل شامل تمام قوانین، هنجارها و الزاماتی است که در طول تاریخ در ناخودآگاه جمعی بشری ثبت شده است، نام قانون پدر را بر آن نهاده‌اند چون که وضع‌کننده قوانین از ابتدای تاریخ پدر و نظام مردسالاری بوده است.
۴. Emile Benveniste: شرق‌شناس فرانسوی (۱۹۰۲-۱۹۷۶). او در زمینه‌های مختلف ایران‌شناسی، در حیطه زبان‌شناسی و نیز تبعات هندواروپایی یکی از برجسته‌ترین دانش‌پژوهان عصر ماست. در میان مستشرقان و ایران‌شناسان مشهور، او به علت عمق و وسعت آگاهی‌هایش و خدماتش در شناساندن هرچه بهتر فرهنگ و تمدن ایرانی، بی‌تردید سرآمد آنان به‌شمار می‌رود.
۵. Jouissance: به معنای لذت بی‌نهایت است. انسان هر اندازه هم که از امکانات دنیوی برخوردار باشد همواره احساس خلأ می‌کند که بیانگر عدم رضایت مطلق در گستره نمادین است. ژوئیسانس همان رضایت مطلق و جاودانگی دست‌نیافتنی است و همیشه اساسی‌ترین آرزوی بشر به‌شمار می‌رود.

### منابع

۱. استاواراکیس، یانیس. (۱۳۹۲). لاکان و امر سیاسی. ترجمه محمدعلی جعفری. تهران: ققنوس.
۲. محمود، احمد. (۱۳۵۷). همسایه‌ها. تهران: امیرکبیر.
۳. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۳). صدسال داستان‌نویسی ایران. جلد ۱ و ۲. چ ۳. تهران: چشمه.
۴. هومر، شون (۱۳۸۸). ژاک لاکان. ترجمه محمدعلی جعفری و محمدابراهیم طاهائی. تهران: ققنوس.
5. Cohn, N. (1993). *Cosmos, Chaos and the world to Come: The Ancient Roots of Apocalyptic Faith*. New Haven: Yale University Press.
6. Bauman, Z. (1989). *Modernity and the Holocaust*. Cambridge: Polity Press.
7. Benvenuto, B. and Kennedy, R. (1986). *The Works of Jacques Lacan: An Introduction*. New York: St Martins Press.
8. Berger, J. and Luckmann, T. (1967). *The Social Construction of Reality*. London: Allen Lane.
9. Butler, J. (1993). *Bodies that Matter*. New York: Routledge.
10. Ragland-Sullivan, E. (1995). *Essays on the Pleasures of Death: From Freud to Lacan*. London: Routledge.
11. Fink, B. (1995). *The Lacanian Subject: Between Language and Jouissance*. Princeton: Princeton University Press.
12. Freud, S. (1984). *The Ego and the Id*, in *On Metapsychology: The Theory of Psychoanalysis*, Penguin Freud Library, vol. 11, Harmondsworth: Penguin, pp. 339-408.

13. Lacan, J. (1978). *The Seminar of Jacques Lacan, Book II: The Ego in Freud's Theory and in the Technique of Psychoanalysis. 1954-1955*, ed. J. A. Miller, trans. S. Tomaselli. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Leader, D. (1996). *Lacan for Beginners*. London: Icon Books.
15. Leledakis, K. (1995). *Society and Psyche: Social Theory and the Unconscious Dimension of the Social*. Oxford: Berg.
16. Roudinesco, E. (1999). *Jacques Lacan: An Outline of a life and history of a system of thought*. Trans. B. Bray. Cambridge: Polity Press.
17. Touraine, A. (1997). *What is Democracy?* Trans. D. Macey. Boulder: Westview Press.
18. Zizek, S. (1989). *The Sublime Object of Ideology*. London: Verso.